



روحانیت و مقایسه سیستم آن پس از مشروطه با دوران پس از انقلاب اسلامی ایران

پدیدآورده (ها) : فراتی، عبدالوهاب؛ اسلامی، احمد

ادیان و عرفان :: شیعه‌شناسی :: زمستان 1391 ، سال دهم - شماره 40 (علمی-پژوهشی/ISC)
از 61 تا 90

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/973725>

دانلود شده توسط : علیرضا اباذری

تاریخ دانلود : 07/08/1393

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

روحانیت و مقایسه سیستم آن پس از مشروطه با دوران پس از انقلاب اسلامی ایران

دکتر عبدالوهاب فراتی / استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
احمد اسلامی / کارشناس ارشد علوم سیاسی

چکیده

روحانیت به عنوان یکی از زیر سیستم‌های اجتماعی ایران، در تعامل با محیط خارجی، علاوه بر تأثیرگذاری از آن متأثر نیز هست. در این میان، حرکت سیاسی - اجتماعی مشروطه و انقلاب اسلامی و نقش تأثیرگذار روحانیت در این دو دوره، این پرسش را به ذهن متبادر می‌سازد که ساختار و کارکردهای روحانیت در این دو مقطع چگونه بود؟ پاسخ به این سؤال موجب می‌شود محققان جامعه‌شناسی سیاسی بتوانند در پیش‌بینی تحولات آتی روابط روحانیت و نظام سیاسی از آن بهره‌مند شوند. روحانیت با شکست مشروطه، تلاش کرد تا به ساختار پراکنده خویش وحدت ببخشد و با انتقال مرجعیت به ایران، خود را به مرکز تحولات نزدیک‌تر نماید. از دیگر سو، کارکردهای روحانیت نیز تقلیل پیدا کرد. اما با وقوع انقلاب اسلامی، ساختار اقتداری و سازمانی روحانیت دچار تحول عظیمی شد و کارکردهایش گسترده‌تر گردید.

کلیدواژه‌ها: روحانیت، مشروطه، انقلاب اسلامی، ساختار، کارکرد.

مقدمه

نقش روحانیت به عنوان یکی از تأثیرگذارترین عوامل سیاسی کشور و ارتباط دوسویه آن با نظام سیاسی جمهوری اسلامی، لازم است به گونه‌ای علمی و روشمند بررسی شود. ورود روحانیت به عرصه سیاسی و تلاش آن در ایجاد تحول در نظام سیاسی، فرصت‌ها و تهدیدهایی برای روحانیت به همراه داشته است که شناخت این زوایا می‌تواند دل‌سوزان نظام سیاسی و روحانیت را در ادامه مسیر انقلاب اسلامی یاری رساند.

اگرچه در منابع گوناگون، توجه به نیروی اجتماعی روحانیت جزو مباحث اصلی است، اما کمتر مطالعه‌ای مستقل در این زمینه صورت گرفته است. نویسندگانی همچون حامد الگار، نیکی کدی، حائری و آیت مظفری تلاش‌هایی برای بازنمایی نقش روحانیت در تحولات اجتماعی ایران داشته‌اند، اما آنچه کمتر به آن پرداخته شده بررسی تحولات خود روحانیت است. در این میان، نویسندگانی همچون علیرضا شجاعی زند در مقاله «روحانیت و موقعیت جدید» و عبدالوهاب فراتی در کتاب **روحانیت و سیاست - به ترتیب - به منظور معرفی این نهاد و ضرورت تحول در آن** با توجه به شرایط زمانی کنونی و بررسی تحولات صورت گرفته در ساختار روحانیت پس از انقلاب اسلامی، نگاهی غیر تاریخی و غیر مقایسه‌ای داشته‌اند.

با توجه به نقصان موجود در پژوهش‌های انجام شده، نوشته حاضر تلاش می‌کند با طرح الگویی مناسب، فهم تحولات ساختار روحانیت را تسهیل نماید و با بررسی تحولات صورت گرفته در دوره پس از مشروطه و پس از انقلاب اسلامی و مقایسه آنها، منظری را برای آینده‌پژوهی روحانیت باز نماید.

چارچوب نظری

برای بررسی تحولات روحانیت، بهره‌گیری از چارچوب مناسب نظری که بتواند سیر تاریخی روحانیت و در نتیجه، سیلان مفهومی آن را پوشش دهد، ضروری است. یکی

از مشکلات عمده در مطالعه روحانیت، استفاده از مفاهیم متداول و رایج، اما مبهم همچون «نهاد» و «سازمان» است که خود ابهام هرچه بیشتر موضوع را موجب می‌گردد. این امر، که خود می‌تواند معلول عواملی همچون فقدان آگاهی کامل از مفاهیم به کار برده شده و نیز ماهیت لغزنده موضوعات اجتماعی باشد، ضرورت طرح مفهومی مناسب برای پوشش دادن موضوع تحقیق و تعریف و مشخص کردن مفهوم به کار برده شده را ضروری می‌سازد.

با مقایسه مفاهیم «نهاد»،^۱ «سازمان»^۲ و «سیستم»، می‌توان به روشنی دریافت که مفهوم «سیستم» علاوه بر آنکه جامع‌تر از دو مفهوم دیگر است و می‌تواند دوره‌های تاریخی روحانیت را پوشش دهد، به عنصر مهم «تحول روحانیت»، که از اهداف این نوشته است، نیز به خوبی اشاره دارد.

۱. تعریف «سیستم» و اجزای آن

با دقت در مجموع تعاریفی که از «سیستم» صورت گرفته است، (ر.ک. دوروسنی و بیشون، ۱۳۷۴، ص ۵۸، ۶۰ و ۶۲ / رضائیان، ۱۳۷۷، ص ۲۸ / قلی‌پور، ۱۳۸۰، ص ۱۰۶ / چیلکوت،

۱. «نهاد» نظام سازمان یافته و پایداری از الگوهای اجتماعی است که برخی رفتارهای تأیید شده و یکنواخت را به منظور برآورده ساختن نیازهای بنیادی جامعه ایجاد می‌کند. (بورس کوئن، ۱۳۷۲، ص ۱۱۰) و یا در تعریفی دیگر، «نهاد»، «مجموعه‌ای از نقش‌ها، پایگاه‌ها و روابط ساخته و پرداخته و پایداری است که با کارکردهای مشخص، در طول زمان استمرار و مداومت پیدا می‌کند.» (وٹوفی و نیک خلق، بی‌تا، ص ۱۴۶)

۲. «سازمان» ساخت‌های اجتماعی معطوف به هدف است که سلسله مراتب موقعیت‌ها را ظاهر می‌سازد و به وسیله حاکمیت هنجارهای ارزشی و تعداد فزاینده متصدیان در سطوح پایین‌تر سلسله مراتب، به یکدیگر متصل شده‌اند. (اچ. ترنر، ۱۳۷۸، ص ۱۲۱) در تعریفی دیگر، «این مفهوم به معنای سلسله‌ای از روابط بین عناصر یا اشخاص است که یک واحد وجودی جدید را به وجود می‌آورد. این واحد دارای کیفیت‌هایی است که هر یک از عناصر یا اشخاص به تنهایی از آن برخوردار نیست. سازمان دارای دو جنبه است و باید به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرد: جنبه ساختاری و جنبه کارکردی.» (دوران، ۱۳۷۰، ص ۱۸)

۱۳۷۸، ص ۲۶۶ / فرشاد، ۱۳۶۲، ص ۴۳ / توسلی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۹-۲۱۰ / خوشوقت، ۱۳۵۷، ص ۲۷-۲۸ / وست و چرچمن، ۱۳۶۹، ص ۵۸ و ۶۰) می‌توان «سیستم» را این‌گونه تعریف نمود:

«سیستم» مجموعه‌ای از عناصر، اجزا و واحدهای کارکردی مرتبط و وابسته به هم است. شبکه این روابط یک کل پویا و ساختاری خاص را، که دارای درجه‌ای از تداوم با حد و مرز نسبتاً مشخص و کارکردهای ویژه است، در ارتباط با محیط خارجی شکل می‌دهد.

در تجزیه و تحلیل یک «سیستم» می‌توان از دو حیث ساختاری^۱ و کارکردی^۲ آن را ارزیابی کرد. (رضائیان، ۱۳۷۷، ص ۶۸ / دوروسنی و بیشون، ۱۳۷۴، ص ۲۶)

برای تعیین کارکردهای یک عنصر، به جای اهداف، از نتایج آن سؤال می‌شود. (رابرتسون، ۱۳۷۲، ص ۳۷) از این‌رو، بهترین راه برای شناخت کارکرد، در نظر گرفتن آن به عنوان یک اثر^۳ است. (اسکیدمور، ۱۳۸۵، ص ۱۶۷) تجزیه و تحلیل کارکردهای یک «سیستم» دارای سطوح متفاوتی است؛ در پایین‌ترین سطح، به توزیع نقش‌های انفرادی و در بالاترین سطح، به بررسی کارکردهای یک نهاد (یا سیستم) پرداخته می‌شود. (توسلی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۹) لازم به ذکر است که در این مقاله، بیشتر به کارکردهای نهاد روحانیت در نظام سیستمی پرداخته خواهد شد.

در تجزیه و تحلیل ساختاری یک سیستم نیز آنچه مورد توجه قرار می‌گیرد عناصر تشکیل دهنده آن است؛ (رضائیان، ۱۳۷۷، ص ۶۸) زیرا ساخت یک سیستم همان مجموعه‌ای از اجزای به هم پیوسته است (رابرتسون، ۱۳۷۲، ص ۳۶) و با تعیین نحوه قرار گرفتن این اجزا، وضع ساختاری یک سیستم مشخص می‌گردد. (دوروسنی، ۱۳۷۴، ص ۲۷) آنچه به این قالب حالتی زنجیروار می‌بخشد شبکه نقش‌ها^۴ است. مفهوم «شبکه نقش‌ها» به مجموعه روابط و مناسباتی گفته می‌شود که شخص با افراد

1. Structure.
2. Function.
3. Effect.
4. set role.

دیگری که با آن در تماس است، برقرار می‌کند. (کوئن، ۱۳۷۲، ص ۸۰) مفهوم «نقش» در علوم اجتماعی، با مفهوم آن در نمایش مترادف است (خوشوقت، ۱۳۵۷، ص ۳۹-۴۰) و در اصل، مشخص‌کننده رفتار افرادی است که دیگران از یک هویت مشخص انتظار دارند. (اچ. ترنر، ۱۳۷۸، ص ۱۲۲ / کوئن، ۱۳۷۴، ص ۵۷ / خوشوقت، ۱۳۵۷، ص ۳۰۲) الگوی ارتباط متقابل این نقش‌ها ساختار هر سیستم اجتماعی را شکل می‌دهد. (اسکیدمور، ۱۳۸۵، ص ۱۶۸)

بی‌گمان، ساخت سازمان در کارکرد آن مؤثر است و تغییر کارکرد نیز منجر به تغییر ساخت می‌شود. باید توجه داشت که چگونگی هر سازمان به چگونگی کارکرد آن بستگی دارد. از این‌رو، همان‌گونه که کارکردهای اجتماعی گوناگون است، سازمان‌ها نیز متنوع هستند. (برن و نیم کوف، ۱۳۵۶، ص ۳۳۰-۳۳۱)

طرح مفهوم «سیستم» با وجود مشترکاتی که با مفاهیم «نهاد» و «سازمان» دارد،^۱ الگوی عامی است که می‌تواند علاوه بر بخش کارکردی دو مفهوم «نهاد» و «سازمان»، بخش ساختاری آنها را نیز پوشش دهد. اشاره به سازمان اداری (بروکراسی) و روابط اقتداری در یک سیستم، هم بخش رسمی ساختار یک سازمان و هم بخش غیر رسمی را، که می‌توان از آن به عنوان «نهاد» یاد کرد، دربر می‌گیرد.

۲. روحانیت به مثابه یک سیستم

روحانیت در نگاه سیستمی، دارای اجزای به هم پیوسته‌ای همچون مراجع تقلید، مبلغان، مدرّسان و مانند آن است که هر یک در پی دستیابی به هدف والای سیستم، بخشی از کارکردهای روحانیت را بر عهده گرفته، در جهت برآورده شدن آن تلاش می‌کند. روحانیت به عنوان یک سیستم پویا، با محیط خارج از خود در

۱. برای تعریف «سازمان» نک. برن و نیم کوف، ۱۳۵۶ (۲۵۳۶)، ص ۴۴۷، ص ۳۳۰-۳۳۲ / قلی‌پور، ۱۳۸۰، ص ۲۳ / دوران، ۱۳۷۰، ص ۱۸ / اچ. ترنر، ۱۳۷۸، ص ۱۲۱ / کوئن، ۱۳۷۲، ص ۱۳۵ و برای تعریف «نهاد» نک. وثوقی و نیک خلق، ص ۱۴۶، ص ۱۵۰-۱۵۱ / کوئن، ۱۳۷۲، ص ۱۱۰ / اسکیدمور، ۱۳۸۵، ص ۱۶۸.

تعامل است و اهداف دوسویه معطوف به داخل (مانند حفظ انسجام و هویت بخشی به اعضا) و خارج (همانند تبلیغ و ترویج شعائر اسلامی) را در صدر امور خود قرار داده و با چالش‌هایی از خارج (با روی کار آمدن نظام‌های سیاسی مخالف) و داخل (از طریق شکل‌گیری گروه‌های فکری دگراندیش) مواجه است. تقاضاها و حمایت‌ها از طریق ورودی، به داخل سیستم راه می‌یابد و در بخش میانی، این اطلاعات تجزیه و تحلیل می‌گردد تا پاسخ‌های مناسبی به این تقاضاها داده شود. همه تلاش‌های سیستم روحانیت را می‌توان در دو بخش مهم «کارکرد دست‌یابی به هدف» و نیز «کارکرد تطبیقی این سیستم با محیط بیرون از خود» خلاصه کرد. در نهایت، سیستم برای اینکه بتواند به شکل پویایی عمل نماید و از آثار و نتایج اعمال خویش نیز مطلع گردد، بازخورانی را برای خود تعریف می‌کند. سیستم به ظاهر ساده ولی پیچیده روحانیت نیز از این امر مستثنا نیست و با حضور دایمی بخش‌های گوناگون آن در جامعه، به شکل امامت جمعه و جماعت، و گاه به شکل مبلغ و مروج احکام در ایام و مراسم خاص، علاوه بر کارکردهای آشکار خود، به کارکردهای پنهان نیز جامعه عمل می‌پوشاند. حتی کارکرد مالی مانند اخذ وجوه را نیز می‌توان یکی از مسیرهای بازخوران سیستم روحانیت دانست. با مطالعه سیستم روحانیت به شکل تاریخی، به روشنی می‌توان میان گستردگی کارکردهای سیستم روحانیت و تعدد زیر سیستم‌های آن از یک سو، و پیچیدگی سازمانی و سلسله مراتبی بودن آن از سوی دیگر، رابطه تنگاتنگی را کشف کرد.

الف. ساختار روحانیت: در نوشته حاضر، «ساختار روحانیت» به سلسله‌ای از صاحبان نقش‌های گوناگون مانند روات و محدثان، مراجع تقلید، مجتهدان، مدرّسان، وعّاظ، فضلا و طلبایی که تحت یک نظام سلسله مراتب اقتدار و تفوق قرار دارند گفته می‌شود که گاه از سازمان اداری و دیوان‌سالارانه رسمی بهره جسته، با نوعی تقسیم کار در بین خود، در جهت تحقق اهداف خاصی شکل گرفته، فعالیت می‌کنند. (اخلاقی، ۱۳۸۴، ص ۲۳)

ب. کارکردهای روحانیت: در بررسی کارکردهای روحانیت، می‌توان از دو نوع کارکرد «اصلی» (یا سنتی) و «موقعیتی» (یا تاریخمند) یاد کرد. (شجاعی زند، ۱۳۸۸، ص ۲۶۲)

«کارکردهای اصیل» به کارکردهایی گفته می‌شود که اشاراتی در نصوص دینی (از جمله در قرآن، آیات شریفه ۹ سوره زمر، ۱۲۲ سوره توبه و ۳۹ سوره احزاب) بر آنها وجود دارد. کارکردهای چهارگانه تبلیغ و ترویج دین، تعلیم و تعلّم دانش دین، صیانت و دفاع از دین و هدایت و اجرای مناسک را می‌توان در این زمینه ذکر کرد. هرچند این کارکردها به طور مستقیم شکل‌گیری قشر خاصی با عنوان «روحانی» را توصیه نمی‌کند، اما وجود مفاهیمی همچون علم‌آموزی، تبلیغ و تعلیم دین و ضرورت پاسداشت آن در منابع اسلامی، به مرور زمان، شکل‌گیری چنین قشری را توجیه نموده است.

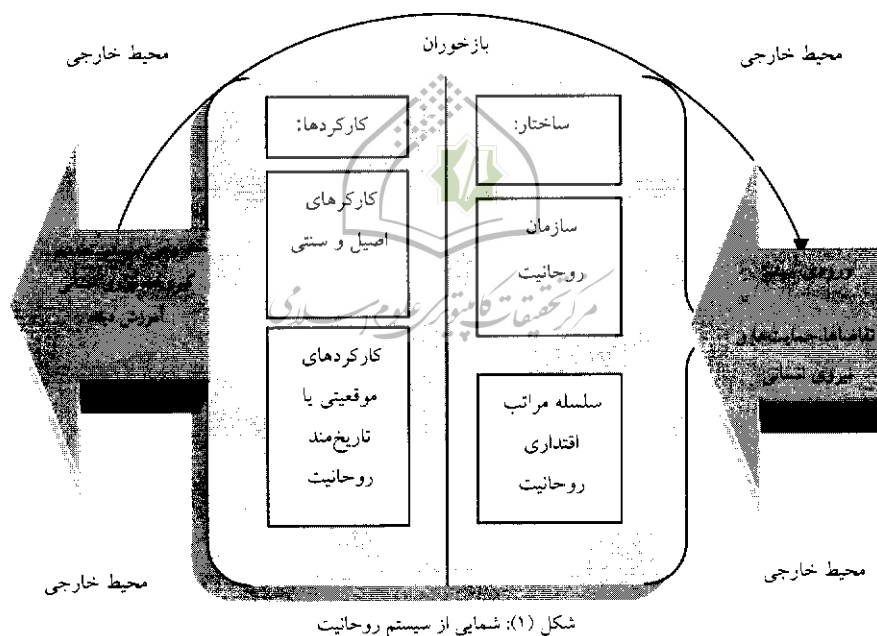
علاوه بر کارکردهای سنتی، روحانیت در طول تاریخ کارکردهای موقعیتی را نیز بر عهده گرفته که در قالب کارکردهای اجتماعی و سیاسی قابل طرح است. در بخش کارکردهای اجتماعی، می‌توان به ایفای نقش «جامعه مدنی» یعنی میانجی‌گری بین دولت و مردم، حمایت از فقرا، تهی‌دستان و عامه مردم در مقابل ظلم و ستم حکام، و انجام خدمات رفاهی اشاره کرد. (جعفریان، ۱۳۷۰، ص ۶۵/ فوران، ۱۳۸۲، ص ۸۳/ الگار، ۱۳۵۹، ص ۵۱/ حسینیان، ۱۳۸۰، ص ۲۰۵/ لمبتون، ۱۳۷۹، ص ۱۰۱/ ملکم، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۲۵/ شمیم، ۱۳۸۳، ص ۳۷۵/ کدی، ۱۳۶۹، ص ۶۳/ اجودانی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۱/ مظفری، ۱۳۸۷، ص ۱۵۷ و ۱۵۹/ مارتین، ۱۳۸۹، ص ۳۸) از جمله کارکردهای اجتماعی روحانیت، نقش‌های حقوقی و قضایی است که علما در بخش‌های گوناگون، آن را ایفا کرده‌اند. (ایوانف، ۱۳۵۶، ص ۱۶)

کارکرد سیاسی روحانیت را، که از به هم آمیختگی دین و سیاست در اسلام نشئت می‌گیرد، (جمعی از نویسندگان تاریخ ایران کمبریج، ۱۳۷۱، ص ۲۳۳) می‌توان در دو بخش «رسمی» (با اشغال پست‌های نظارتی یا تقنینی و اجرایی) و «غیررسمی» (در شکل نظارتی که از وظیفه دینی «امر به معروف» و «نهی از منکر» سرچشمه می‌گیرد) تقسیم‌بندی نمود.

از دیگر کارکردهای موقعیتی روحانیت، می‌توان به کارکرد «نظامی» (نقیب‌زاده، ۱۳۸۲، ص ۲۸۳/ مظفری ۱۳۸۷، ص ۱۶۰) و «آموزشی» اشاره کرد. (ایوانف، ۱۳۵۶، ص ۱۶/ شمیم، ۱۳۸۳، ص ۳۷۹)

آنچه گفته شد تنها اشاره‌ای بود به کارکردهای آشکار روحانیت. از این رو، نباید از کژکارکردها و کارکردهای پنهانی همچون مشروعیت‌بخشی سیاسی، ملت‌سازی و نیز مشروعیت‌زدایی غافل شد؛ همچنان که در دوره قاجاریه، یکی از کارویژه‌های پنهان سیاسی روحانیت، نفوذ سیاسی در نظام قاجار بود. (نفیسی، ۱۳۳۵، ج ۱، ص ۷۲-۷۳)

با توجه به آنچه مطرح شد، می‌توان سیستم روحانیت را در قالب ذیل به تصویر کشید:



۳. شکل‌گیری و توسعه سیستم روحانیت

سیستم روحانیت در ابتدا، با هدف آموزش و تبلیغ بنیادهای فکری شیعی شکل گرفت و در دوره حضور ائمه اطهار (ع) به سبب نبود دسترسی آسان به امام معصوم تقویت گردید. این روند با نزدیک‌تر شدن به دوره غیبت امام عصر (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف) قوت بیشتری یافت. (حسینیان، ۱۳۸۰، ص ۱۰۸-۱۱۰) با غیبت امام دوازدهم (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف) نقش و اهمیت دینی و اجتماعی علما از یک‌سو، به دلیل دسترسی نداشتن به امام معصوم و ثواب خاص، و از سوی دیگر، به سبب ضرورت

پاسخ‌گویی به نیازهای دینی مردم و مسائل جدید، روزافزون گردید (کدی، ۱۳۶۹، ص ۳۰/ جنّاتی، ۱۳۷۸، ص ۷۷/ حسینیان، ۱۳۸۰، ص ۱۱۸/ زیباکلام، ۱۳۷۷، ص ۶۱) و تحوّل علمی و عملی علما برای منطبق‌سازی خویش با شرایط جدید آغاز شد.

«اجتهاد» مهم‌ترین تحوّل در اندیشه و عقاید شیعه در طول غیبت کبرا تا شکل‌گیری حکومت صفوی در ایران، علاوه بر تحوّل رابطه مذهب و سیاست، (کدی، ۱۳۶۹، ص ۲۹) تأثیرهای شگرفی بر ساختار سازمانی و سلسله مراتب قدرت روحانیت گذارد. این تحوّل، که مقدّمه توسعه کارکردی و ساختاری روحانیت برای انطباق با شرایط پس از غیبت بود، خود محصول تفوّق نگاه اصولی بر اخباری است. (جمعی از نویسندگان تاریخ ایران کمبریج، ۱۳۷۱، ص ۲۳۷/ آجدانی، ۱۳۸۳، ص ۱۷) نگاه اصولی علاوه بر ایجاد رابطه مرجع و مقلّد، موجب شکل‌گیری و قدرت‌یابی روحانیت شد و ساختاربندی و سلسله مراتب قدرت در میان ایشان را نیز فراهم آورد. بدین‌روی، روحانیت با انسجام‌بخشی درونی و افزایش کمی علما در ابتدای قرن نوزدهم، توانست در اواخر این قرن، پا به عرصه سیاسی نیز بگذارد. (توال، ۱۳۸۲، ص ۴۵-۴۶/ زرگری‌نژاد، ۱۳۷۴، ص ۶۲)

هرچند مذهب تشیع فاقد سلسله مراتبی است که در کلیسا مشاهده می‌شود، (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ص ۵۹ و ۱۰۶) اما به مرور زمان، با توجه به اقتضائات زمانی، به سمت نوعی سازمان‌یابی حرکت کرد. ساختار و سازمان‌یابی روحانیت در قرن نوزدهم، که از عوامل قدرت‌یابی آن به شمار می‌رود، با سلسله مراتبی ویژه همراه بوده است. در این قرن، به دلیل افزایش اقتدار مجتهدان، سلسله مراتبی شامل اقشار حجة الاسلام‌ها، ثقة الاسلام‌ها، آیه الله‌ها و آیه الله العظمی‌ها قوّت یافت. این امر اقتدار روحانیت سطح بالا را نسبت به سطح پایین آن افزایش داد و به نفوذ بیشتر روحانیت برجسته در میان توده‌ها منجر شد. (توال، ۱۳۸۲، ص ۴۵-۴۷)

از ویژگی‌های روحانیت در دوره‌های تاریخی، استقلال مالی، قلمرو و مدیریت آن است. (کدی، ۱۳۶۹، ص ۶۰-۶۱/ اخلاقی، ۱۳۸۴، ص ۹۰-۹۱/ ملک‌زاده، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۷۲/ علم الهدی، ۱۳۷۹، ص ۳۸-۴۰) بر اساس مستندات تاریخی، منابع مالی حوزه عمدتاً مردمی

بوده و از راه‌هایی همچون وجوه شرعی، موقوفات، بخشش‌ها و هدایای خلفا و حکمرانان تأمین می‌شده است. (مارتین، ۱۳۸۹، ص ۳۹/ الگار، ۱۳۵۹، ص ۳۸/ اخلاقی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۴-۱۷۶) مردمی بودن منابع اگرچه گاهی موجب وابستگی به مردم و فقدان آزادی در تفسیر دین می‌شود، (لمبتون، ۱۳۷۹، ص ۱۶۳) اما بر استقلال آنها در برابر قدرت سیاسی می‌افزاید. در تاریخ حوزه و روحانیت شیعه، تعیین مدیر و رئیس حوزه به صورت انتخابی و طبق آیین‌نامه و به شکل رسمی نبوده، بلکه به صورت طبیعی، افرادی که از نظر دانش و فضل و تقوا نسبت به دیگران شایسته‌تر بوده‌اند، عهده‌دار این منصب می‌شده‌اند و بر این اساس، هم مقام مرجعیت و هم منصب مدیریت حوزه بر عهده یک نفر بوده است. (اخلاقی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۹)

مشروطه و تحولات ساختاری - کارکردی سیستم روحانیت

با وجود تلاش‌های بسیار، مشروطه به اهداف خویش در واژگونی نظام استبدادی، ایجاد امنیت و بریدن دست اجانب از کشور دست نیافت (شمیم، ۱۳۸۳، ص ۵۵۹/ ملک‌زاده، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۲۷۳/ کسروی، ۱۳۷۹، ص ۶۲) و به شکست انجامید. (فوران، ۱۳۸۲، ص ۲۹۲) با فروکش کردن تب مشروطه‌خواهی، بسیاری از روحانیان حتی از شنیدن نام «مشروطه» نیز اکراه داشتند؛ چندان که آیه‌الله نائینی، نسخه‌های به‌جا مانده از تنبیه‌الامة را جمع‌آوری نمود. (حائری، ۱۳۶۴، ص ۱۶۷ و ۳۳۴/ ابوالحسنی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۹/ الگار، ۱۳۶۹، ص ۳۷۹)

از عوامل بی‌رغبتی روحانیت به مسائل سیاسی و کم‌رنگ‌تر شدن نقش سیاسی ایشان، اختلاف و دودستگی میان آنها درباره مشروطه، (جعفریان، ۱۳۸۰، ص ۲۲۳/ حسینی‌زاده، الف، ۱۳۸۶، ص ۳۷-۳۹) به دار آویخته شدن شیخ فضل‌الله نوری (زیباکلام، ۱۳۷۷، ص ۴۶۶) و ترور آیه‌الله بهبهانی بود، (سیف، ۱۳۷۹، ص ۱۴۰/ نجفی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۳ و ۱۳۳/ جمعی از نویسندگان تاریخ ایران کمبریج، ۱۳۷۱، ص ۲۷۱/ فوران، ۱۳۸۲، ص ۲۷۹) هرچند نباید از تندروی روشن‌فکران و خط‌مشی سکولاریستی و تلاش آنها برای حذف

روحانیت از صحنه سیاسی ایران غافل شد. (زیباکلام، ۱۳۷۷، ص ۴۶۷/ فوران، ۱۳۸۲، ص ۲۸۸-۲۸۹/ آبراهامیان، ۱۳۷۸، ص ۹۱، ۹۴-۹۶) در نهایت، این عوامل به دل‌سردی و کناره‌گیری علمای بزرگ از سیاست (جمعی از نویسندگان تاریخ ایران کمبریج، ۱۳۷۱، ص ۲۷۲) و توقف اندیشه‌ورزی دینی - سیاسی ایشان انجامید (عنایت، ۱۳۶۲، ص ۲۹۸) و حاکمیت روشن‌فکران و استبداد رضاخانی را به دنبال آورد.

رضا شاه پس از قدرت‌گیری، برای حذف مذهب و نقش اساسی روحانیت در بخش‌های گوناگون جامعه تلاش فراوان کرد. (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ص ۱۷۴) از مهم‌ترین این تلاش‌ها، می‌توان به سلب استقلال مالی روحانیت از طریق گرفتن موقوفات از حوزه، (صفایی، ۱۳۵۶، ص ۲۸۶/ Faghfoory, 1993, p.289) تضعیف کارکرد تعلیمی و تربیتی روحانیت و کاهش موقعیت و جایگاه اجتماعی ایشان با تأسیس مراکز آموزشی جدید، (Faghfoory, 1993, p.286) حذف قرآن و شریعات از متون درسی مدارس جدید با هدف اصلی سلب نفوذ و موقعیت روحانیان در امر آموزش و پرورش، (بصیرت منش، ۱۳۷۶، ص ۷۳-۷۴) تأسیس دانشگاه معقول و منقول با هدف تربیت نیروهای دلخواه و تضعیف کارکرد آموزشی روحانیت، (بصیرت منش، ۱۳۷۶، ص ۸۹-۹۲) تأسیس مؤسسه وعظ و خطابه (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۷۰) به قصد تحت کنترل درآوردن کارکرد سنتی تبلیغ و ارشاد روحانیت و انجام اصلاحاتی در قوه عدلیه برای تضعیف کارکرد قضایی روحانیت (فوران، ۱۳۸۲، ص ۳۳۱) اشاره کرد.

در نتیجه این تلاش‌ها، ظرفیت آموزشی مدارس جدید، ۱۰ تا ۱۲ برابر افزایش یافت (ایوانف، ۱۳۵۶، ص ۸۷/ ازغندی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۰) و تعداد دانشگاه‌ها و دانشجویان داخل و خارج رو به فزونی گذاشت، در حالی که افزایش ثبت نام در مکتب‌خانه‌ها بسیار کمتر بود و تعداد طلاب علوم دینی هر روز کمتر می‌گردید. (آبراهامیان، ۱۳۷۸، ص ۱۳۲-۱۳۳) طبق آماری در سال ۱۳۰۴ تعداد مدارس دینی ایران ۲۸۲ باب و تعداد طلبه‌های آن ۵،۹۸۴ نفر بوده است. (ایوانف، ۱۳۵۶، ص ۸۷) در حالی که ۱۶ سال پس از روی کار آمدن رضا شاه، در سال ۱۳۲۰ تعداد مدارس به ۲۰۶ باب و

طلبه‌های آنها به همراه ۲۴۹ نفر مدرس، مجموعاً به ۱،۰۰۰ نفر می‌رسید؛ یعنی تعداد طلاب به کمتر از یک پنجم پانزده سال قبل می‌رسید. (ایوانف، ۱۳۵۶، ص ۸۷) حوزه علمیه قم، که در این دوره بزرگ‌ترین حوزه کشور بود، در سال ۱۳۲۰ کمتر از ۳۰۰ نفر طلبه داشت. (سلطانی، ۱۳۷۰، ص ۴۷) به هر حال، با تضعیف ارزش‌های دینی در دوره رضاشاه، مراجعه به روحانیان بسیار کاهش یافت و موجب ضعف دستگاه مرجعیت، کاهش شمار طلاب و فضلا و افزایش فشار مالی و سیاسی بر روحانیان گردید. (جعفریان، ۱۳۸۰، ص ۴۸)

با روی کار آمدن محمدرضا شاه نیز اگرچه وعده‌هایی مبنی بر اعطای آزادی‌های بیشتر و جبران گذشته داده شد (جامی ۱۳۵۵، ص ۸۴) و اجتماعات مذهبی و سایر گردهمایی‌ها برخلاف گذشته علناً برگزار می‌شد، (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ص ۱۸۶) اما او نیز همانند پدرش پس از آنکه قدرت رویارویی با روحانیت را کسب کرد، سیاست‌های خود را در قبال مذهب و روحانیان تغییر داد. (ایوانف، ۱۳۵۶، ص ۲۰۹-۲۱۰) دولت مستقیم و غیرمستقیم قدرت روحانیان را در بخش‌هایی همچون آموزش و پرورش، موقوفات و دادگستری تضعیف کرد و به جای تقویم هجری، تقویم شاهنشاهی را جایگزین نمود. روحانیان مخالف را در معرض حملات مستقیم قرار داد و به توقیف، تبعید و شکنجه مخالفان پرداخت. (فوران، ۱۳۸۲، ص ۵۰۰ و ۵۵۲)

روحانیت در این زمان، به عنوان سیستمی پویا، تلاش می‌کرد تا از طریق کارکرد تطبیق، خود را با تحولات صورت گرفته در محیط خویش سازگار کند. به طور کلی، در دوره پس از مشروطه، روحانیت در برابر نفی کلیت خود، رویکردی سلبی به سیاست گرفت و به درون ساختار سنتی خود بازگشت (فراستی، ۱۳۸۷) و برای بازسازی خویش تلاش کرد.

۱. تحولات ساختاری روحانیت

انتقال مرکزیت حوزه و مرجعیت عمومی به ایران، یکی از مهم‌ترین تحولات این دوره است. به نظر می‌رسد مشکلات به‌وجود آمده در رهبری انقلاب مشروطه، به سبب

دور بودن نهاد مرجعیت عمومی از ایران، انتقال مرجعیت به ایران را ضروری نمود. (جعفریان، ۱۳۸۰، ص ۳۵/ ذاکری، ۱۳۸۳، ص ۲۰۱) بازگشت عالمی همچون شیخ عبدالکریم حائری به ایران و ترجیح حفظ حوزه بر جانشینی میرزای شیرازی و سیدکاظم طباطبائی (نیکوبرش، ۱۳۸۱، ص ۵۲-۵۳/ تهرانی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۱۵۸/ فیاض، ۱۳۷۸، ص ۵۷-۵۸) و نقش سلطان‌الواعظین، واعظ معروف دوره مشروطه در جریان استقرار آیه‌الله حائری در قم، می‌تواند وجهی بر هدفمندی تشکیل حوزه علمیه قم باشد. (فیاض، ۱۳۷۸، ص ۶۰-۶۱/ نیکوبرش، ۱۳۸۱، ص ۶۲-۶۳) می‌توان گفت: تأسیس حوزه علمیه قم مهم‌ترین واکنش علما در مقابل شرایط نوین فکری و سیاسی بود و دستاوردهای گسترده‌ای به همراه داشت. (جمعی از نویسندگان تاریخ ایران کمبریج، ۱۳۷۱، ص ۲۸۶)

با تبعید رضا شاه، فضای مناسبی برای قدرت‌یابی و سازمان‌بخشی روحانیت ایجاد گردید. آیه‌الله بروجردی امور مالی و شهریه طلاب را سازمان‌دهی نموده و با ایجاد سیستم وکلایی منظم در مناطق گوناگون، توانست هم به شکل مناسبی وجوه شرعی را، که از طریق آن پرداخت شهریه مقدور می‌گردید، جمع‌آوری نماید، (الگار، بی‌تا، ص ۴۰) و هم از این طریق، شبکه ارتباطی مناسبی بین حوزه قم و مردم مناطق گوناگون فراهم نماید. (بخشایشی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۴۵-۱۴۶/ روحبخش، ۱۳۸۴) او به تأسیس و احیای حوزه‌های علمیه در دیگر شهرهای کشور همّت گماشت (روحبخش، ۱۳۸۸، ص ۵۹) و از این طریق، روحانیت کاهش نیروهای خود در دوره رضا شاه را جبران نمود؛ به گونه‌ای که فقط شهر قم در سال ۱۳۲۶ دو هزار و در سال ۱۳۳۵ پنج هزار طلبه در خود جای داده بود. (جعفریان، ۱۳۸۰، ص ۲۲۵-۲۲۶) از نتایج انسجام مدیریتی برای رأس هرم اقتداری، امکان کنترل بیشتر بر رفتارهای سیاسی روحانیان بود. واکنش روحانیت به ترور ناموفق شاه در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ شاهد گویایی بر این امر است. (بیل و لویس، ۱۳۷۲، ص ۱۵۳)

سلسله مراتب اقتداری ساختار روحانیت: با تأسیس حوزه علمیه قم، انتقال مرجعیت عمومی به ایران تسهیل گردید و از این طریق، ساختار اقتداری روحانیت دچار تحول

شد. اگرچه مرجعیت عمومی با وفات آیه‌الله حائری از ایران رخت بریست، اما در زمان آیه‌الله بروجردی دوباره به ایران باز گشت. (بدلا، ۱۳۷۸، ص ۴۰ و ۱۴۵/ جعفریان، ۱۳۸۰، ص ۲۲۳-۲۲۴) هرچند پس از مشروطه، ایجاد وحدت در رأس هرم اقتداری روحانیت و تمرکز در مدیریت حوزوی از آمال روحانیت بود و با اعتقاد به مؤثر بودن رهبری واحد، تمهیداتی برای مرجعیت واحد آیه‌الله بروجردی از سوی علما فراهم گردید، (کرباسچی، ۱۳۸۰، ص ۹۷ و ۱۰۵) اما با وفات ایشان در سال ۱۳۴۰، بار دیگر ساختار اقتداری روحانیت تجزیه و پراکنده شد؛ (کدی، ۱۳۶۹، ص ۲۳۶) امری که خوشایند حکومت بود و تلاش می‌کرد با دامن زدن به آن، مرجعیت را به خارج از ایران انتقال دهد. (رفسنجانی، ۱۳۶۰، ص ۶-۷) اگرچه وجود تمرکز در مرجعیت، قدرت فزاینده‌ای برای روحانیت ایجاد می‌نمود، اما به سبب عوارض و کارکردهای منفی، با وفات آیه‌الله بروجردی، مورد تردید قرار گرفت و مباحثی مبنی بر ضرورت تحول در نظام روحانیت و تخصصی‌شدن مرجعیت و شورایی شدن آن مطرح گردید. (عنایت، ۱۳۶۲، ص ۲۸۰-۲۷۹/ صاحب الزمانی، ۱۳۴۵، ص ۱۴۶، ۱۵۳-۱۵۹)

بخش میانی هرم اقتداری روحانیت - یعنی فضلا و مدرّسان - اگرچه انسجام امروزی را نداشت، اما از چنان قدرتی برخوردار بود که با ترغیب و اسکان مرحوم آیه‌الله حائری و آیه‌الله بروجردی در قم (کرباسچی، ۱۳۸۰، ص ۹۶/ بدلا، ۱۳۷۸، ص ۴۰، ۲۸، ۱۴۲-۱۴۵/ مبرقی، ۱۳۷۰، ص ۷۱) در ساختار اقتداری روحانیت تحول ایجاد کرد.

بخش تحتانی هرم نیز همچون دیگر بخش‌ها، از سیاست‌های سکولاریستی رضا شاه متأثر و دچار ضعف گردیده بود که از عوامل کاهش میزان نفوذ مراجع محسوب می‌گردد. (جعفریان، ۱۳۸۰، ص ۲۲۴-۲۲۵) از این‌رو، مرجعیت تلاش فراوانی در حفظ و گسترش این بخش نمود و توانست تعداد روحانیان را افزایش دهد. (آبراهامیان، ۱۳۷۸، ص ۳۹۶/ فوران، ۱۳۸۲، ص ۴۹۸-۴۹۹)

۲. تحوّل در کارکردهای سنتی و موقعیتی روحانیت

مهم‌ترین کارکردهای روحانیت در دوره قاجار، شامل آموزش در همه سطوح، انواع فعالیت‌های قضایی و حقوقی و در نهایت، خدمات اجتماعی و رفاهی بود. (کدی، ۱۳۶۹، ص ۶۱) با توجه به تحولات سیاسی پس از مشروطه و روی کار آمدن دولت رضا شاه، بسیاری از کارکردهای روحانیت در بخش‌های مالی، آموزشی، تبلیغی، تبلیغی و قضایی، با محدودیت اساسی مواجه گردید. در این میان، بیشترین آسیب‌ها نصیب کارکردهای سیاسی و اجتماعی ایشان می‌شد.

کارکرد سیاسی، چه در بخش تصدّی پست‌های اجرایی و تقنینی و چه در بخش نظارت بر مسائل سیاسی، با کاهش چشم‌گیری روبه‌رو بود. نظارت روحانیان بر مصوبات مجلس، که با تلاش شیخ فضل‌الله در ماده دوم متمم قانون اساسی گنجانده شد، با اتمام دوره دوم مجلس، که طی آن تنها دو تن از علما قبول مسئولیت کرده بودند، به فراموشی سپرده شد. («سیر قانون‌گذاری در ایران معاصر»، ۱۳۶۵، ص ۱۳۲/حسینیان، ۱۳۸۰، ص ۳۴۲) در این میان، تعداد نمایندگان روحانی مجلس نیز سیر نزولی داشت. (شجعی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۲۷۳-۲۷۴)

هرچند در طول مشروطه، در میان روحانیت اراده‌ای قوی نسبت به حضور در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی شکل گرفت و منظر سیاسی دین به شدت تقویت گردید، (الگار، ۱۳۶۹، ص ۳۷۹-۳۸۰) اما با شکست مشروطه، این حرکت دچار تزلزل و تشوّت گردید و روحانیت به کارکردهای سنتی خود بازگشت. از میان روحانیان، تعداد معدودی همچون مدرّس و کاشانی به فعالیت‌های سیاسی پرداختند و بدان استمرار بخشیدند. این افراد از الگوی عملی علمای طراز اوّلی همچون آیات عظام حائری، سیدابوالحسن اصفهانی و بروجردی، پی‌روی نکردند. (زیباکلام، ۱۳۷۷، ص ۴۶۶/جمعی از نویسندگان تاریخ ایران کمبریج، ۱۳۷۱، ص ۲۷۲/فوران، ۱۳۸۲، ص ۴۲۶-۴۲۷/الگار، ۱۳۶۹، ص ۳۷۹-۳۸۰/آذرشب، تاریخ صدساله روحانیت) اکثریت روحانیان در مقابل رفتار ضد مذهبی رضا شاه مقاومت سازمان یافته‌ای از خود نشان ندادند. (کاتوزیان، ۱۳۷۹،

ص ۱۷۴) در مجموع، می‌توان گفت: رفتار تند و خشن رضا شاه، موجب هرچه دورتر شدن اکثریت روحانیت از عرصه‌های سیاسی در دهه ۱۳۱۰ گردید. (فوران، ۱۳۸۲، ص ۳۷۶)

مرحوم حائری در طول زعامت خود، تلاش نمود تا از هرگونه حرکتی که به نوعی حکومت رضا شاه را تأیید می‌کرد و یا بیم آن وجود داشت که موجد حساسیت باشد پرهیز کند. (بصیرت‌منش، ۱۳۷۶، ص ۲۴۰/ فیاض، ۱۳۷۸، ص ۸۴ و ۸۶) او بجز چند مورد، در مسائل سیاسی دخالتی نکرد. (مکی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۳۷/ حائری، ۱۳۶۴، ص ۱۸۹/ فیاض، ۱۳۷۸، ص ۸۳)

آیه‌الله بروجردی نیز با وجود آنکه تفسیری سیاسی و اجتماعی از دین و احکام اسلامی داشت، (حائری یزدی، ۱۳۸۲، ص ۶۰) اما از حیث عملی، همچنان سیاست‌گریزی دوره آیه‌الله حائری را ادامه داد و تلاش نمود تا با دولت به چنان تعاملی دست یابد که مرجعیت نه از هم گسیخته گردد و نه تحت الشعاع حکومت قرار گیرد. (حائری یزدی، ۱۳۸۲، ص ۴۴) او بر مبنای تجربیات مشروطه، از سیاست کناره‌گیری می‌کرد و بیشتر به بازسازی و سامان‌دهی حوزه‌های علمیه و تربیت عالمان فرهیخته همت می‌گماشت. (دوانی، ۱۳۵۸، ج ۲، ص ۳۳۸/ کرباسچی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۱) با وجود مشی غیر سیاسی آیه‌الله بروجردی و ترجیح تقویت و بازسازی سازمان روحانیت، (فوران، ۱۳۸۲، ص ۴۲۶-۴۲۷) قدرت‌گیری ساختار حوزه پرده از تمایلات سیاسی ایشان برداشت و با نزدیک‌تر شدن به اواخر دهه ۳۰، تنش‌ها با دولت افزایش یافت. (جعفریان، ۱۳۸۰، ص ۲۲۹) با وفات ایشان، فضای مناسبی برای بروز افکار سیاسی متنوع در سطوح روحانیت، در قالب سه گرایش سیاسی عمده - یعنی علمای کاملاً غیرسیاسی، میانه‌رو و انقلابی - شکل گرفت. (آبراهامیان، ۱۳۷۸، ص ۴۳۶-۴۳۷)

در بخش کارکرد اجتماعی روحانیت نیز تحول اساسی رخ داد. اگرچه روحانیت از گذشته دور به دلیل آنکه تنها نیروی مقاوم در برابر رژیم بود، (شمیم، ۱۳۸۳، ص ۳۷۵) در مقابل ظلم و تعدی حکومت پناهگاه محکمی برای مردم به شمار می‌آمد، اما در دوره پس از مشروطه و بخصوص زمان رضا شاه، دیگر خانه علمای و مقام معنوی و

اجتماعی ایشان مانع تعدّی حکومت به مردم نمی‌گردید، بلکه خود علما هم از امنیت کافی برخوردار نبودند. ضرب و شتم آیة‌الله بافقی توسط رضا شاه (مکی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۲۶۵-۲۶۷) نمونه روشنی از این موضوع است. این کارکرد نیز همچون کارکرد سیاسی، با قدرت‌یابی مجدد روحانیت خود را نمایان می‌کند (حسینیان، ۱۳۸۰، ص ۲۰۵) که مخالفت آیة‌الله بروجردی با طرح اصلاحات ارضی در سال ۱۳۳۹ از این باب است. (فوران، ۱۳۸۲، ص ۴۹۹/ کدی، ۱۳۶۹، ص ۲۳۶/ جعفریان، ۱۳۸۰، ص ۲۶۹)

پس از مشروطه روحانیت بیشتر به کارکردهای سنتی و دینی خود پرداخت و کمتر به مسائل سیاسی روی آورد. (نیکویرش، ۱۳۸۱، ص ۲۰) سیاست‌ها و اقدامات رضا شاه و افّت موقعیت اجتماعی و سیاسی روحانیت (بشیریه، ۱۳۷۹، ص ۲۴۴) و نیز اتفاقات ناگواری که در دوره مشروطه بر روحانیت رخ داده بود، تحوّل کارکردی روحانیت در این دوره و بازگشت به کارکردهای سنتی از قبیل موعظه و خطابه (نیکویرش، ۱۳۸۱، ص ۶۲-۶۳) را توجیه می‌نماید. تمرکز بر کارکردهای سنتی را می‌توان در تأسیس مرکزی آموزشی به نام «دار التبلیغ» توسط آیة‌الله شریعتمداری مشاهده نمود. (رازی، ۱۳۵۲، ص ۱۶-۲۰/ جعفریان، ۱۳۸۰، ص ۳۰۸ و ۳۱۶-۳۱۹)

انقلاب اسلامی و تحولات ساختاری - کارکردی روحانیت

وفات آیة‌الله بروجردی^۱ نقطه عطفی در ورود مجدد روحانیت به عرصه سیاست بود. رحلت این عالم ربّانی، موجب تحوّل در ساختار اقتداری و کارکردهای موقعیتی روحانیت و تعامل نظام سیاسی با ایشان گردید؛ از یک‌سو نظام روحانیت شاهد مرجعیت متعدد و مطرح شدن مرجعی سیاسی به نام امام خمینی^۲ بود و از دیگر سوی، نظام سیاسی نیز تلاش نمود تا از خلأ موجود در رأس قدرت روحانیت، برای اجرای برنامه‌های خود بهره گیرد. همزمانی این دو موجب رویارویی روحانیت انقلابی با نظام سیاسی شد و به شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ختم گردید. نقش بی‌بدیل روحانیت در رهبری انقلاب اسلامی، تنها آغازی بود بر ورود روحانیت به عرصه سیاست و مشارکت در قدرت. با پیروزی انقلاب اسلامی، روحانیت از تجربه تلخ

خویش در شکست مشروطه بهره جست و با منسجم نمودن نیروهای خودی در قالب «حزب جمهوری اسلامی» و دقت در مناصب روحانیت، که در قانون اساسی جدید برای آنان در نظر گرفته شده بود، و نیز پی‌ریزی نیروهای نظامی مردمی و مطمئنی همچون «کمیته انقلاب اسلامی» و «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» به عنوان حامیان نظام نوپا در شرایط بحرانی، تلاش نمود تا الگوی محکم و ثابتی برای مشارکت خویش در قدرت آینده پی‌ریزی کند. این امر به خوبی در بخش مقدمه و اصول دوم، چهارم، پنجم، پنجاه و هفتم، نود و سوم، صد و هفتم و صد و دهم قانون اساسی جدید مشهود است. (بشیریه، ۱۳۸۴، ص ۵۷-۵۸) با بازنگری در قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ اختیارات رهبری باز هم افزایش یافت. (حسینی زاده، ا، ۱۳۸۶، ص ۳۷۶)

به هر روی، وقوع انقلاب اسلامی ایران تحول مهمی در محیط سیاسی و اجتماعی روحانیت به شمار می‌آید و آثار مهمی بر ساختار و کارکردهای نظام روحانیت بر جای گذاشت. (شیرخانی و زارع، ۱۳۸۴، ص ۳۸-۳۹) با این تحول، زمینه و بستر رشد حوزه‌های علمیه فراهم گردید و حوزه از فشارها و تنگناهای شدید سیاسی، امنیتی و اقتصادی رها شد. رونق کمی و رشد کیفی تحقیقات، آموزش، تبلیغات و انتشارات دینی از دیگر نتایج این تحول عظیم است. (ذوعلم، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۶۳)

۱. تحولات ساختاری

الف. ساختار اقتداری: به نظر می‌رسد با وقوع انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی، ساختار اقتداری گذشته روحانیت با تحولاتی عمیق مواجه شده است.

۱. مراجع تقلید: مرجعیت به سبب دانش بیشتر در صدر نظام نخبه‌گرای روحانیت بوده است و این مقام در صورت تفوق علمی، در یک نفر متمرکز می‌گردد. (فرائی، ۱۳۹۰، ص ۴۰-۴۱) با وفات آیه‌الله بروجردی در سال ۱۳۴۰ ش، موضوع مرجعیت واحد و عامه منتفی شد، تا اینکه امام خمینی علیه السلام در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی با چهره‌ای فراهمند به پیشوای بی‌بدیلی تبدیل شد و به مرجعیتی عام و واحد دست یافت. با رحلت امام راحل و مراجع بزرگ دیگری همچون آیه‌الله اراکی،

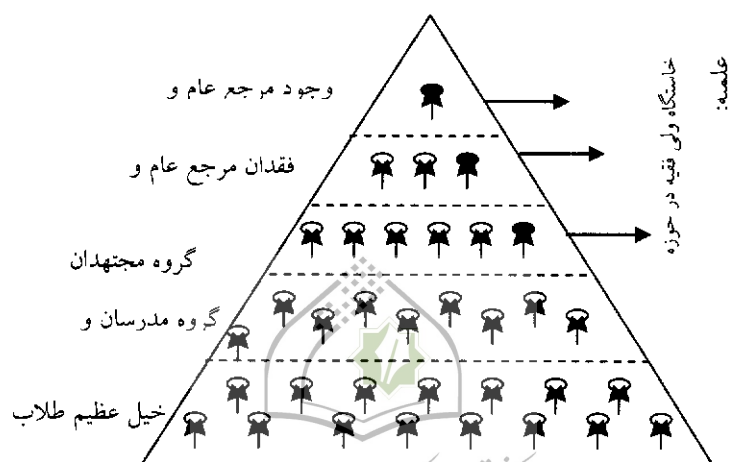
مرجعیت دچار پراکندگی شد و با دخالت جامعه مدرسین در تعیین هفت تن از مجتهدان به عنوان مراجع تقلید، وضعیت پراکندگی شکلی رسمی به خود گرفت و موجب تضعیف نقش مرجعیت در جامعه و حتی امور حوزه گردید. (شیرخانی و زارع، ۱۳۸۴، ص ۶۷-۶۹)

از دیگر تحولات صورت گرفته در ساختار قدرت روحانیت پس از انقلاب اسلامی، شکل گیری مقام جدیدی به نام «ولی فقیه» است که از سطوح فوقانی ساختار روحانیت، متصدی امر ولایت شده (فراتی، ۱۳۹۰، ص ۵۰) و جایگاه جدیدی در کنار اقتدار سنتی مرجعیت تشکیل داده است.

۲. مدرّسان و فضلّا: هرچند این گروه همواره در حاشیه اقتدار مرجعیت زیسته و اعتبار وجودی و علمی خود را از مراجع اخذ نموده، اما در سالیان اخیر، به سبب فقدان وحدت مرجعیت، بر اهمیت نقش ایشان افزوده شده و از نفوذ بیشتری نسبت به گذشته برخوردار شده (شیرخانی و زارع، ۱۳۸۴، ص ۶۹-۷۰) و در قالبی سازمان یافته (همانند جامعه مدرسین)، در تعیین و خلع مرجعیت ایفای نقش نموده‌اند؛ امری که با تعیین مرجعیت در تعارض بوده و موجب تضعیف نقش مدنی مراجع گردیده (فراتی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۹) و به سبب تفکیک رهبری از مرجعیت، تأثیرات تعیین کننده‌ای در روند سیاسی کشور داشته است. (زهیری، ۱۳۸۹، ص ۲۶-۲۷)

۳. توده طلاب: در ساختار سلسله مراتبی روحانیت، در نهایت می‌توان به توده طلاب اشاره کرد که از نظر کمی، بخش وسیعی از حوزه علمیه را شکل می‌دهند. با وجود موانعی در ارائه دقیق آمار، به صورت تخمینی می‌توان تعداد کل طلاب و روحانیان کشور را قریب ۱۵۰ هزار نفر برآورد کرد. (شیرخانی و زارع، ۱۳۸۴، ص ۱۱۲) در بخش تحتانی این هرم نیز تحول عمده شامل افزایش تعداد طلباء، شکل‌گیری مجمع طلاب و فضایی حوزه - که خود موجب انسجام بخشی و نیز ایجاد مرکز قدرتی در میان طلاب شده است - و جدایی از منابع اقتداری سابق و روی آوردن به مرجعیت سیاسی (ولی فقیه) می‌گردد.

با توجه به آنچه گذشت، ساختار اقتداری روحانیت پس از انقلاب اسلامی را می‌توان به شکل ذیل ترسیم نمود: (فراتی، ۱۳۹۰، ص ۵۰)



شکل (۲): ساختار اقتدار در حوزه‌های علمیه شیعی

ب. ساختار اداری: پیروزی انقلاب اسلامی آغازگر تحولاتی عمیق در ساختار اداری و مدیریتی حوزه‌های علمیه ایران بود. تا پیش از آن، حوزه‌های علمیه از حیث ساختار اداری و دیوانی، خالی از هرگونه آیین‌نامه و شکل رسمی، زیر نظر مراجع قرار داشت. (فراتی، ۱۳۹۰، ص ۴۰) اما تحولات وسیع اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ناشی از انقلاب اسلامی نیاز گسترده‌ای به روحانیان ایجاد نمود و شکل‌گیری سازمان اداری منسجم و گسترده را برای مدیریت امور طلاب ضروری ساخت. (شیرخانی و زارع، ۱۳۸۴، ص ۴۴) تحولات تشکیلاتی و مدیریتی حوزه علمیه قم در دهه ۶۰ با مدیریت شورای منصوب از سوی مراجع و حضرت امام علیه السلام آغاز شد (حسینی‌زاده، الف، ۱۳۸۶، ص ۳۷-۳۹) و در دهه ۷۰ با تأسیس «مرکز مدیریت حوزه علمیه قم» و «شورای عالی حوزه‌های علمیه» (فیروزی، ۱۳۷۳، ص ۱۷-۱۸) از دیوان‌سالاری گسترده‌ای بهره‌مند گردید.^۱

۱. برای اطلاع بیشتر، ر.ک. ساختار اجرایی مرکز مدیریت حوزه علمیه، در:

<http://www.modiryar.com/index-management/general/structure/1779-1388-03-14-16-27-42.html>

نظام دیوانی جدید، که محصول میل و خواست نظام سیاسی بود، (فراستی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۳) با وجود ایجاد نظم و سامان‌دهی آموزش‌های حوزوی، از وابستگی حوزه‌ها به مراجع و استقلال عمل حوزه‌ها کاست. (حسینی‌زاده، الف، ۱۳۸۶، ص ۳۷-۳۹)

۲. تأثیرهای مشارکت در قدرت بر کارکردهای روحانیت

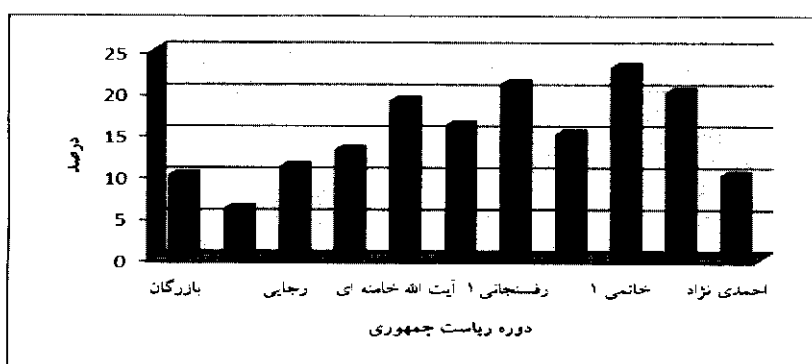
الف. کارکردهای سنتی: با وقوع انقلاب اسلامی، فضای مناسبی برای توسعه این بخش از کارکردها ایجاد گردید. برای مثال، در بخش تبلیغ و ترویج دین، تلاش‌هایی که برای سامان‌دهی و تشکیلاتی نمودن این کارکردها، چه در زمان آیه‌الله بروجردی و چه پس از وفات ایشان با تأسیس مرکزی به نام «دار التبلیغ» صورت گرفته بود، قوت بیشتری یافت و خود را در قالب تشکلهایی همچون «دفتر تبلیغات اسلامی» و «مرکز آموزش‌های تخصصی تبلیغ» نمایان ساخت. (شیرخانی و زارع، ۱۳۸۴، ص ۷۲-۷۴)

ب. کارکردهای موقعیت‌مند:

۱. کارکردهای سیاسی: اگرچه تأثیرگذاری سیاسی روحانیت در سطوح و عرصه‌های گوناگون قابل طرح است، (ذوعلم، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۵۱/زهیری، ۱۳۸۹، ص ۳۳-۳۴) اما در این نوشته، تنها حضور روحانیت در مناصب اجرایی و قانون‌گذاری بررسی می‌شود:

هرچند از نظر امام راحل^۱ نقش سیاسی روحانیت «هدایت و نظارت سیاسی» بود، (موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۳، ص ۱۰۳ و ۱۴۰؛ ج ۲، ص ۴۶۶) اما تحولات سال‌های اولیه انقلاب، ورود روحانیان به مناصب اجرایی را ضروری ساخت (فراستی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۰) و با گذشت یک دهه از انقلاب اسلامی، توجه به کارویژه‌های سنتی ایشان، امری مهم‌تر تلقی گردید. (مظفری، ۱۳۸۷، ص ۲۷۴-۲۷۵) با این حال، حضور روحانیت در دولت‌های مختلف با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است. (فراستی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۳-۱۲۵)

نمودار صفحه بعد به خوبی نشان‌دهنده این موضوع است:



نمودار (۳): درصد حضور روحانیان در کابینه‌های دولت پس از انقلاب اسلامی

(<http://www.icfj.org/OurWork/MiddleEastNorthAfrica/ConferenceIran360/C>
P1/tabid/841/Default.aspx)

حضور روحانیان در قوّه مقننه نیز - همان گونه که جدول ذیل نشان می دهد - با افول قابل توجی مواجه گردیده است. (فراستی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۰/ www.icfj.org, 1390)

نمایندگان روحانی طی شش دوره مجلس، در دوره اول از ۴۹.۰۵٪، در دوره دوم ۵۵٪، در دوره سوم ۳۰٪، در دوره چهارم ۲۵٪، در دوره پنجم ۱۹٪ و در دوره ششم به ۱۲.۷۷٪ تنزل پیدا کرد (ازغندی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۳).

جدول (۱): تعداد روحانیان مجالس پس از انقلاب

ادوار مجلس	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم
تعداد روحانیان	۱۷۱	۱۵۷	۸۸	۶۹	۵۹	۳۵	۴۱

از علل این تنزل می‌توان به بالا رفتن ارزش‌های مالی در مقابل مسائل معنوی، از دست دادن نقش اپوزیسیونی روحانیت، از دست دادن انسجام داخلی و درگیری جناحی و خطی (بشیریه، ۱۳۸۴، ص ۱۱۳-۱۱۵) و در نهایت، فقدان تخصص لازم در میان روحانیان اشاره کرد. (ازغندی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۳-۱۷۴)

مهم‌ترین کارکرد آشکار سیاسی روحانیت در این دوره، کوشش برای حفظ، تداوم و تعالی نظام جمهوری اسلامی و دفاع از اصل «ولایت فقیه» به عنوان ضامن اسلامیت نظام سیاسی بوده است. (حسینی‌زاده، الف، ۱۳۸۶، ص ۳۷-۳۹) به هر روی، کارکرد سیاسی روحانیت امروزه شکل بسیار ظریفی به خود گرفته است؛ چراکه

همراه است که توجه به آنها می‌تواند روحانیت را در ادامه راه، بیشتر کمک کند. رابطه خوب با نظام سیاسی و برعهده گرفتن کارکردهای سیاسی و اجرایی، هرچند مزایایی برای روحانیت ایجاد کرده، اما آسیب‌هایی نیز به اقتدار اجتماعی روحانیت وارد ساخته است؛ زیرا روحانیت بخش بزرگی از اقتدار اجتماعی خویش را، که ناشی از رویارویی با قدرت سیاسی بوده، با تصدی‌گری سیاسی از دست داده و در برابر نابرابری‌های اجتماعی پاسخگو گردیده است. از دیگر عوارض آن، سربرآوردن مجدد رقیب سنتی قرائت شریعت‌گرایانه روحانیت، یعنی نگاه عارفانه به دین است. (کاشی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۱۶-۴۱۷) مبتنی بودن ارزش‌های نظام سیاسی بر آموزه‌های دینی، رغبت مردم به این آموزه‌ها و به تبع آن، جایگاه روحانیت در اجتماع را به کارآمدی نظام و دولت پیوند داده است. سرخوردگی از نظام سیاسی و عدم رضایتمندی از آن، افزون بر کاهش مشروعیت نظام سیاسی، روحانیت را نیز به عنوان کارگزار فرهنگی نظام دچار چالش می‌کند و روحانیت را از صدر گروه‌های مرجع به زیر می‌کشد. (زهیری، ۱۳۸۹، ص ۳۳-۳۴) این موضوع با توجه به تنزل میزان محبوبیت روحانیت در طول چند دهه اخیر قابل تأمل است. (رفیع‌پور، ۱۳۷۹، ص ۱۶۵-۱۶۶)

نتیجه

روحانیت به عنوان سیستمی پویا، با ورود به عرصه سیاست و ایجاد محیطی متفاوت در دو مقطع مشروطه و انقلاب اسلامی، با تحولاتی در ساختار و کارکردهای خود مواجه گردیده است. پس از مشروطه، روحانیت در ساختار اقتداری خود، با حذف مناصب رسمی (حکومتی) همراه بود. انتقال مرکزیت حوزه از عراق به ایران تحوّل دیگری در این بخش است. در لایه‌های گوناگون روحانیت نیز با وجود تلاش‌هایی برای ایجاد تمرکز در مرجعیت و مدیریت حوزه، تحوّل عمده‌ای مشاهده نمی‌شود. بخش میانی هرم اقتداری فاقد هرگونه انسجام گروهی است و مشروعیت خویش را

از مرجعیت دریافت می‌کند. در دوره مشروطه، تلاش‌هایی برای سازمان‌دهی و ایجاد مدیریت متمرکز صورت گرفت؛ اما پس از انقلاب اسلامی، مناصب رسمی در اختیار روحانیان قرار گرفت و نقش‌های جدید هرم اقتداری روحانیت را دچار تحول ساخت، به گونه‌ای که نقشی همچون «ولی فقیه» با توسل به قدرت سیاسی، بر حوزه نفوذ وی در هرم اقتداری روحانیت افزود و به جایگاه مرجعیت و حتی مرجع عام دست یافت. در هرم اقتداری سنتی نیز اگرچه لایه جدیدی شکل نگرفت، اما روابط اقتداری آن دچار تغییر گردید. شکل‌گیری گروه‌های منسجمی در لایه‌های میانی همچون «جامعه مدرسین» و نقش تعیین‌کننده مرجعیت و حتی سلب آن، قدرتی قابل توجه به آن بخشیده است، به گونه‌ای که دیگر مشروعیت خویش را از مرجعیت کسب نمی‌کند. بخش تحتانی این هرم نیز متأثر از لایه‌های میانی، بیشتر به مرجعیت سیاسی روی آورده و از دامن مرجعیت سنتی پراکنده شده است. اما از حیث سازمانی، تحولات صورت گرفته در دهه‌های ۶۰ تا ۸۰ چندان با گذشته قابل مقایسه نیست؛ چراکه تا پیش از آن، از سازمان دیوانی منسجمی، که پس از انقلاب در قالب «شورای مدیریت حوزه علمیه قم» و «شورای عالی حوزه‌های علمیه» شکل گرفته است، خبری نبود.

از حیث کارکردی، با شکست مشروطه و ناکامی روحانیت در رسیدن به اهداف خود، کارکردهای موقعیتی روحانیت در بخش‌های گوناگون به قهقرا رفت، در حالی که با انقلاب اسلامی، تحول گسترده‌ای در کارکردهای روحانیت با چرخش از کارکردهای سنتی به موقعیتی و به‌ویژه کارکرد سیاسی صورت گرفت، هرچند همانند پس از مشروطه، حضور روحانیت در مناصب اجرایی و تقنینی کمتر شده و تنها به مناصبی که از سوی قانون به ایشان اختصاص داده شده، محدود گردیده است. به هر روی، روحانیت پس از انقلاب اسلامی به نسبت پس از مشروطه، در بخش ساختاری سازمان یافته‌تر، از حیث اقتداری پیچیده‌تر، و از نظر کارکردی گسترده‌تر شده است.

منابع

۱. ابوالحسنی، علی، آخرین آواز قو، تهران، عبرت، ۱۳۸۰.
۲. آجودانی، ماشاءالله، مشروطه ایرانی، چ پنجم، تهران، اختران، ۱۳۸۲.
۳. اچ. ترنر، جانانان، مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی، ترجمه محمد فولادی و محمدعزیز بختیاری، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۷۸.
۴. اخلاقی، محمدعلی، شکل‌گیری سازمان روحانیت شیعه، قم، شیعه‌شناسی، ۱۳۸۴.
۵. ازغندی، علیرضا، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، تهران، قومس، ۱۳۸۵.
۶. اسکیدمور، ویلیام، تفکر نظری در جامعه‌شناسی، ترجمه علی‌محمد حاضری و دیگران، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
۷. الگار، حامد، ایران و انقلاب اسلامی، ترجمه مترجمان سپاه پاسداران، انتشارات سپاه پاسداران، بی‌تا.
۸. الگار، حامد، دین و دولت در ایران، ترجمه ابوالقاسم سری، چ دوم، مشهد، توس، ۱۳۶۹.
۹. الگار، حامد، نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت، ابوالقاسم سری، چ دوم، توس، ۱۳۵۹.
۱۰. ایوانف، م. س.، تاریخ ایران نوین، ترجمه هوشنگ تیزابی و حسن قائم‌پناه، بی‌جا، بی‌تا، ۱۳۵۶.
۱۱. آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب، از مشروطه تا انقلاب اسلامی ایران، ترجمه کاظم فیروزمند و دیگران، چ دوم، تهران، مرکز، ۱۳۷۸.
۱۲. آجدانی، لطف‌الله، علما و انقلاب مشروطیت ایران، تهران، اختران، ۱۳۸۳.
۱۳. آذرشب، محمدعلی، تاریخ صد ساله روحانیت، رضا بسطامی، در: <http://zamane.info>, Available at, 1390.6.30.
۱۴. آزاد ارمکی، تقی، «روحانیت، آسیب‌ها و تهدیدها» در: حوزه و روحانیت: مسائل، آسیب‌ها، کارکردها، به کوشش علی باقری‌فر، تهران، مؤسسه فرهنگی دین‌پژوهی بشرا، ۱۳۸۹.
۱۵. آلفونه، علی، «احمدی‌نژاد در برابر روحانیت: چشم‌انداز خاورمیانه»، در: **Middle Eastern Outlook**, Persian Edition, No.5 (August, 2008).
۱۶. بخشایشی، عقیق، یکصد سال مبارزه روحانیت مترقی، قم، نوید اسلام، بی‌تا، جلد سوم.
۱۷. بدلا، حسین، هفتاد سال خاطره، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۸. برن، آگ و نیم کوف، زمینه جامعه‌شناسی، ترجمه و اقتباس ا.ح. آریانپور، چ دهم، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۲۵۳۶ (۱۳۵۶).
۱۹. بشیریه، حسین، جامعه‌شناسی سیاسی (نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی)، تهران، نی، ۱۳۷۹.
۲۰. بشیریه، حسین، دیپاچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، چ سوم، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۴.

۲۱. بصیرت‌منش، حمید، علما و رژیم رضا شاه، تهران، عروج، ۱۳۷۶.
۲۲. بیل، جیمز و ویلیام راجرز لویس، مصدق، نفت و ناسیونالیسم ایرانی، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات، تهران، گفتار، ۱۳۷۲.
۲۳. توال، فرانسوا، ژئوپولیتیک شیعه، ترجمه کتابون باصر، تهران، ویستار، ۱۳۸۲.
۲۴. توسلی، غلامعباس، نظریه‌های جامعه‌شناسی، ج سیزدهم، تهران، سمت، ۱۳۸۶.
۲۵. تهرانی، آقابزرگ، نقباء البشر، مشهد، دارالمرتضی، ۱۴۰۴.
۲۶. جامی (جبهه آزادی مردم ایران)، گذشته، چراغ راه آینده است: تاریخ ایران در فاصله دو کودتا، تهران، سمندر، ۱۳۵۵.
۲۷. جعفریان، رسول، جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی سیاسی ایران سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۵۷، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰.
۲۸. جعفریان، رسول، دین و سیاست در دوره صفوی، قم، انصاریان، ۱۳۷۰.
۲۹. جمعی از نویسندگان تاریخ ایران کمبریج، سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه عباس مخبر، تهران، طرح نو، ۱۳۷۱.
۳۰. جنتانی، محمدابراهیم، «نقش حکومت اسلامی در شکوفایی و گسترش فقاقت»، در: امام خمینی و حکومت اسلامی (روحانیت، اجتهاد، دولت) مجموعه آثار ۸، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۸.
۳۱. چیلکوت، رونالد، نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، ج دوم، تهران، خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۸.
۳۲. حائری یزدی، مهدی، خاطرات مهدی حائری، به کوشش حبیب لاجوردی، تهران، کتاب نادر، ۱۳۸۲.
۳۳. حائری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت در ایران، ج دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.
۳۴. حسینی‌زاده، محمدعلی، (الف)، نهاد روحانیت ایران در بستر زمان، شهروند امروز، ۹ دی ۱۳۸۶.
۳۵. حسینی‌زاده، محمدعلی، (ب)، اسلام سیاسی در ایران، قم، مؤسسه انتشاراتی دانشگاه مفید، ۱۳۸۶.
۳۶. حسینیان، روح‌الله، تاریخ سیاسی تشیع، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.
۳۷. موسوی خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳۸. خوشوقت، محمدحسین، تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۵۷.
۳۹. دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، تهران، بنیاد فرهنگی امام رضا (ع)، ۱۳۵۸.
۴۰. دوران، دانیل، نظریه سیستم‌ها، ترجمه محمد یمنی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.

۴۱. دوروسنی، ژوئل و جون بیشون، **روش تفکر سیستمی**، ترجمه امیرحسین جهانگیرلو، چ دوم، پیشبرد، ۱۳۷۴.
۴۲. ذاکری، علی‌اکبر، «رفتارشناسی سیاسی آیه‌الله حائری»، **مجله حوزه**، سال بیست و یکم، ش ۱۲۶، (بهمن ۱۳۸۳).
۴۳. ذوعلم، علی، «روحانیت و قدرت سیاسی در تجربه جمهوری اسلامی»، در: **مجموعه مقالات انقلاب اسلامی**، قم، معارف، ۱۳۸۵.
۴۴. رابرتسون، یان، **درآمدی بر جامعه**، ترجمه حسین بهروان، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
۴۵. رازی، محمدشریف، **گنجینه دانشمندان**، تهران، اسلامی، ۱۳۵۲.
۴۶. رضائیان، علی، **تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم**، چ سوم، تهران، سمت، ۱۳۷۷.
۴۷. رفیع‌پور، فرامرز، **توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران**، چ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹.
۴۸. روحبخش، رحیم، «بربادری برای بارور شدن نهال دین»، **ماهنامه زمانه**، سال هشتم، ش ۸۶ و ۸۷ (آبان و آذر ۱۳۸۸).
۴۹. روحبخش، رحیم، «دغدغه‌های آیه‌الله»، **روزنامه شرق**، (۱۷ فروردین ۱۳۸۴).
۵۰. زهیری، علیرضا، «آسیب‌شناسی روحانیت در گستره سیاست»، در: **حوزه و روحانیت، مسائل، آسیب‌ها، کارکردها**، به کوشش علی باقری‌فر، تهران، مؤسسه فرهنگی دین‌پژوهی بشر، ۱۳۸۹.
۵۱. زیباکلام، صادق، **سنت و مدرنیته**، تهران، روزنه، ۱۳۷۷.
۵۲. سلطانی طباطبائی، سیدمحمدباقر، **مجله حوزه**، سال هشتم، ش ۴۳-۴۴، (بهار و تابستان ۱۳۷۰).
۵۳. «سیر قانون‌گذاری در ایران معاصر»، **مجله حوزه**، ش ۱۸، (دی ۱۳۶۵).
۵۴. سیف، توفیق، **استبداد ستیزی**، ترجمه محمد نوری و دیگران، اصفهان، کانون پژوهش، ۱۳۷۹.
۵۵. شجاعی‌زند، علیرضا، «روحانیت و موقعیت جدید»، **نشریه شیعه‌شناسی**، سال هفتم، ش ۲۶، (تابستان ۱۳۸۸).
۵۶. شجیعی، زهرا، **نخبگان سیاسی ایران**، تهران، سخن، ۱۳۷۱.
۵۷. شمیم، علی‌اصغر، **ایران در دوره سلطنت قاجار**، چ دوم، تهران، زریاب، ۱۳۸۳.
۵۸. شیرخانی، علی و عباس زارع، **تحولات حوزه علمیه قم پس از پیروزی انقلاب اسلامی**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.
۵۹. صاحب‌الزمانی، ناصرالدین، **دیپلماسی بر رهبری**، تهران، مؤسسه عطائی، ۱۳۴۵.
۶۰. صفایی، ابراهیم، **رضا شاه کبیر و تحولات فرهنگی ایران**، تهران، وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۶.

۶۱. علم‌الهدی، منصور، درآمدی بر شناخت حوزه و روحانیت، قم: نصاب، ۱۳۷۹.
۶۲. عنایت، حمید، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، بهاء‌الدین خرمشاهی، ج دوم، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۲.
۶۳. فراتی، عبدالوهاب، «درآمدی بر مناسبات روحانیت و قدرت»، در: حوزه و روحانیت، مسائل، آسیب‌ها، کارکردها، به کوشش علی باقری‌فر، تهران، مؤسسه فرهنگی دین‌پژوهی بشرا، ۱۳۸۹.
۶۴. فراتی، عبدالوهاب، روحانیت و سیاست، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.
۶۵. فراتی، عبدالوهاب، «روحانیت، سیاست و دموکراسی»، روزنامه جام جم، ش ۲۴۹۷، (دوشنبه ۲۱ بهمن ۱۳۸۷).
۶۶. فرشاد، مهدی، نگرش سیستمی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۶۷. فوران، جان، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، ج چهارم، تهران، رسا، ۱۳۸۲.
۶۸. قیاض، عمادالدین، حاج شیخ عبدالکریم حائری (مؤسس حوزه علمیه)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
۶۹. فیروزی، عباس، «سیر تاریخی تشکیل شورای عالی و مدیریت حوزه»، مجله پیام حوزه، ش ۱، بهار ۱۳۷۳.
۷۰. قلی‌پور، آرین، جامعه‌شناسی سازمان‌ها، تهران، سمت، ۱۳۸۰.
۷۱. کاشی، غلامرضا، «روحانیت، تهدیدها و فرصت‌ها»، در: حوزه و روحانیت، مسائل، آسیب‌ها، کارکردها، به کوشش علی باقری‌فر، تهران، مؤسسه فرهنگی دین‌پژوهی بشرا، ۱۳۸۹.
۷۲. کدی، نیکی، ریشه‌های انقلاب ایران، عبدالرحیم گواهی، قلم، ۱۳۶۹.
۷۳. کرباسچی، غلامرضا، تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی (تاریخ حوزه علمیه قم)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.
۷۴. کوئن، بروس، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه و اقتباس غلامعباس توسلی و رضا فاضل، ج دوم، تهران، سمت، ۱۳۷۲.
۷۵. کوئن، بروس، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، ج ۶، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۴.
۷۶. کسروی، احمد، تاریخ هیجده ساله آذربایجان، تهران، صدای معاصر، ۱۳۷۹.
۷۷. لمبتون، آن، اوضاع اجتماعی ایران در عهد قاجاریه، منیر برزین، بی‌نا، بی‌تا.
۷۸. لمبتون، آن، نظریه دولت در ایران، ترجمه چنگیز پهلوان، ج دوم، تهران، گبو، ۱۳۷۹.
۷۹. مارتین، ونسا، چانه‌زنی، اعتراض و دولت در ایران، ترجمه افسانه منفرد، تهران، کتاب آمه، ۱۳۸۹.
۸۰. مبرقی، سیدمرتضی، مجله حوزه، سال هشتم، ش ۴۴-۴۳، (بهار و تابستان ۱۳۷۰).

۸۱. مسعود کوهستانی‌نژاد، «مؤسسه وعظ و خطابه»، مجله گنجینه، سال اول، دفتر اول، (بهار ۱۳۷۰).
۸۲. مظفری، آیت، مناسبات روحانیت و دولت در ایران معاصر، قم، معارف، ۱۳۸۷.
۸۳. مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، چ ششم، تهران، علمی، ۱۳۸۰.
۸۴. ملک‌زاده، مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت، چ دوم، تهران، علمی، ۱۳۶۲.
۸۵. ملکم، سرجان، تاریخ ایران، ترجمه میرزا حیرت، دنیای کتاب، ۱۳۶۲.
۸۶. میرموسوی، سیدعلی، «روحانیت و مردم سالاری»، در: روحانیت و حوزه؛ مسائل، آسیب‌ها، کارکردها، ترجمه جمعی از دانشوران حوزه و دانشگاه، به کوشش باقری‌فر، تهران، بشرا، ۱۳۸۹.
۸۷. نجفی، موسی، مقدمه تحلیلی تاریخ تحولات سیاسی ایران (دین، دولت، تجدد)، تهران، منیر، ۱۳۷۸.
۸۸. نفیسی، سعید، تاریخ سیاسی اجتماعی ایران در دوره معاصر، تهران، شرق، ۱۳۳۵.
۸۹. نقیب‌زاده، احمد، نقش روحانیت شیعه در انقلاب اسلامی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.
۹۰. نیکوبرش، فرزانه، بررسی عملکرد سیاسی آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری، تهران، الهدی، ۱۳۸۱.
۹۱. ونوقی، منصور و علی اکبر نیک خلق، مبانی جامعه‌شناسی، چ دهم، تهران، بهینه.
۹۲. وست، چارلز چرچمن، نظریه سیستم‌ها، ترجمه وحید اصلانی، چ دوم، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۶۹.
۹۳. هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر، نقش روحانیت در انقلاب، تهران، حزب جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۰.

94. Faghfoory, Mohammad H., "The Impact of Modernization on the Ulama in Iran, 1925-1941", **Iranian Studies**, V.26, N.3/4 (Summer-Autumn, 1993).
95. "Iran 360°: The Clergy", available At: <http://www.Icfj.Org/OurWork/MiddleEastNorthAfrica/ConferenceIran360/CP1/tabid/841/Default.aspx>. 30/6/1390
96. <http://www.asriran.com/fa/news/94673/1390.6.30>.
97. <http://www.aftabnews.ir/vdchxnzi23nvxd.tft2.html/1390.6.30>
98. http://www.aftabir.com/articles/view/politics/iran/c1c1214040911_spiritu
99. <http://www.icfj.org/OurWork/MiddleEastNorthAfrica/ConferenceIran360/CP1/tabid/841/Default.aspx>.
100. <http://www.modiryar.com/index-management/general/structure/1779-1388-03-14-16-27-42.html>.